



رویکرد قانون‌گذار ایران در جرم قاچاق زنان و تطبیق آن با کنوانسیون پالمو

امیرحسین عباسی^۱

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

دکتر مهناز مومنی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد ایلام

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی قاچاق زنان به عنوان یکی از مصادیق جرایم سازمان‌یافته در قانون ایران و تطبیق آن با کنوانسیون پالمو می‌پردازد. قاچاق زنان در سال‌های اخیر از سبب و سیاق سنتی خود خارج شده و مجرمان از این طریق برای کسب سود به هر ابزاری دست می‌زنند به طوری که قاچاق زنان تبدیل به یک مافیای جهانی شده است، از این رو مبارزه با این فعالیت مجرمانه بسیار حائز اهمیت است، از طرف دیگر با توجه به مافیایی بودن آن امکان موفقیت یک کشور خاص در مبارزه با این جرم محتمل به نظر نمی‌رسد و نیازمند به همکاری همه‌جانبه تمامی دولت‌ها است، همچنین قوانین کیفری داخلی اکثر کشورها از جمله ایران در زمینه جرایم سازمان‌یافته و به‌طور خاص قاچاق زنان برای مبارزه با این جرایم کامل نیست و نیازمند اصلاحات می‌باشد به همین خاطر شاهد تصویب اسناد جهانی و منطقه‌ای و حتی عهدنامه‌های دو جانبه مابین کشورها هستیم، این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع به دنبال پاسخ یافتن به این سوال است که رویکرد قانون‌گذار ایران در جرم قاچاق زنان چیست و تا چه حد با کنوانسیون پالمو مطابقت دارد؟ و با توجه به بررسی‌های به عمل آمده این پژوهش نشان داده است که نظام جزایی ایران با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ماده ۲ ق.م.ا)، به طور کلی برخی مصادیق جرایم سازمان‌یافته را برشمرده است و به طور خاص قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب سال ۱۳۸۳ را تدوین کرده است و با توجه به تصویب الحاق دولت ایران به کنوانسیون پالمو و پذیرش آن، به نظر می‌رسد با کنوانسیون پالمو هم سو می‌باشد.

واژگان کلیدی: جرایم سازمان‌یافته، حقوق کیفری ایران، قاچاق زنان، بهره‌کشی،

کنوانسیون پالمو

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

جرم به عنوان یک پدیده‌ی ضد اجتماعی در جوامع انسانی همیشه وجود داشته و مبارزه‌ی جامعه با آن نیز همیشگی است. اشکال جرم نیز با تحول جوامع متحول گردیده است و از گونه‌ی بسیط به پیچیده تغییر شکل داده است و به منزله‌ی چالشی برای جامعه است. جرایم سازمان یافته شکل جدید از جرایم مذکور می‌باشند که دارای سابقه‌ی طولانی نمی‌باشند و دارای ویژگی‌ها و مصادیقی می‌باشند. از جمله مصادیق مهم جرایم سازمان یافته قاچاق زنان و کودکان می‌باشد که عبارت است از انتقال غیرقانونی و مخفیانه زنان و کودکان در ارض ملی با هدف واداشتن به وضعیتهای بهره‌کشانه و دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق از لحاظ جنسی و اقتصادی به منظور سود به کار گیرندگان و قاچاق‌چیان آنها. قاچاق زنان از جرایم مهمی است که دارای ساختار و شکل جدیدی نسبت به گذشته‌ی خود است که به دلیل گذشت زمان و تغییر جوامع به تازگی وارد حقوق بین‌الملل و حقوق داخل کشورها شده است به طوری که به دلیل سود سرشاری که به همراه دارد به یک صنعت اقتصادی تبدیل شده است و از آن به برده‌داری نوین نام برده می‌شود. با توجه به اهمیت این جرم مبارزه با آن، وجود قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی کارآمد از جمله همکاری‌های بین‌المللی منطقه‌ای و جهانی مورد نیاز می‌باشد که از جمله‌ی این اسناد بین‌المللی، پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو می‌باشد که به طور خاص به این جرم اختصاص یافته است. با توجه به اینکه امروزه جهان با حجم عظیم قاچاق زنان و کودکان روبه‌رو شده است، لذا این پژوهش به دنبال این است که قانون‌گذار ایران چه رویکردی را با این پدیده مورد پذیرش قرار داده است و اینکه این رویکرد تا چه حد با کنوانسیون پالمو تطبیق دارد؟ در پاسخ به سوال مذکور با توجه به بررسی‌های به عمل آمده به طور خاص قاچاق زنان در بسیاری از موارد توسط قانون‌گذار ایران جرم‌انگاری شده است ولی با این حال دارای نواقصی می‌باشد و به نظر می‌رسد با کنوانسیون پالمو هم‌سو می‌باشد. هدف از این مقاله دست یافتن به مبانی و ساختار قاچاق زنان به عنوان یکی از مصادیق مهم جرایم سازمان یافته در ایران و کنوانسیون پالمو و آگاهی



به دانشجویان حقوق نسبت به آن است که بررسی ابعاد و گستره قاچاق زنان نشان می‌دهد که اسناد بین‌المللی که تاکنون تدوین گشته‌اند از امکان و توان پیشگیری و سرکوب کامل قاچاق زنان برخوردار نیستند، در زمینه داخلی ایران هم در اوایل قرن بیستم با پذیرفتن اسناد بین‌المللی علیه قاچاق زنان، قوانین داخلی خود را برای مبارزه با آن به تصویب رساند و علاوه بر اختصاص موادی در قانون مجازات اسلامی به این جرم، در سال ۱۳۸۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان را تدوین کرد.

بخش دوم: بررسی اسناد بین‌المللی در رابطه با قاچاق زنان

در این بخش تحت عنوان بررسی اسناد بین‌المللی در رابطه با قاچاق زنان، به بررسی قاچاق زنان در اسناد بین‌المللی مرتبط با قاچاق زنان، اساسنامه رم و کنوانسیون پالمو بررسی جرم قاچاق زنان از نظر ماهیتی و صلاحیتی می‌باشند. وقوع جنایات جنگی گسترده و نقض فاحش حقوق بشر و جرایم ضد بشریت که به طور جدی صلح و امنیت بین‌المللی را مورد تهدید قرار داده بود و از طرفی مصون ماندن عاملان این جنایات از تعقیب و مجازات به جهت نقص یا عدم کفایت سیستم قضایی داخلی، جامعه‌ی بین‌المللی را بر آن داشت تا مراجع و محاکم قضایی بین‌المللی را جهت تعقیب کیفری جنایات جنگی شکل دهند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که از آن به اختصار با عنوان اساسنامه رم یاد می‌شود یکی از مهمترین معاهداتی است که جهت تأسیس یکی از همین مراجع قضایی بین‌المللی یعنی دیوان کیفری بین‌المللی تدوین و به تصویب رسیده است. تصویب این سند نقطه عطفی در تحولات بین‌المللی در حوزه‌ی عدالت کیفری بین‌المللی و مسئولیت کیفری فردی و تعقیب کیفری نقض حقوق بشر به شمار می‌آید. در پایان دهه آخر قرن بیستم، یعنی هفدهم جولای ۱۹۹۸، مقر سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد در شهر رم میزبان ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم برای امضای اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) بود. این اساسنامه در اول جولای ۲۰۰۲ با الحاق بیش از شصت کشور به آن لازم‌الاجرا شد و آرزوی پنجاه ساله جامعه بین‌المللی برای تشکیل یک مرجع کیفری بین‌المللی برآورده گردید، تا ۱۸ جولای سال ۲۰۰۸ م، تعداد ۱۰۸ کشور به این سند ملحق شده‌اند که



این موضوع حکایت از اهتمام جامعه جهانی نسبت به گسترش عدالت در جهان و اهمیت این سند برای حفظ و حمایت از حقوق بشر و مبارزه با شدیدترین جرایم بین‌المللی دارد. هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس رم شرکت داشت و تلاش نمود تا با شرکت در گفتگوهای کمیته‌های گوناگون و هماهنگی با سایر کشورهای اسلامی و عضو جنبش غیرمتعهدها استراتژی‌های خود را در محورهایی از حمایت از جرم‌انگاری جرایم علیه بشریت نظیر قتل، به بردگی گرفتن افراد، تبعید و کوچ اجباری یک جمعیت، حاملگی اجباری، تجاوز جنسی و پیگیری نماید. (گلدوزیان، ۱۵: ۱۳۹۱) با وجود تمامی این تلاش‌ها تاکنون دولت ایران اساسنامه مزبور را تصویب نکرده است. عمده دلایل و نگرانی‌های ایران از عدم تصویب اساسنامه مزبور را میتوان مربوط به دغدغه‌های سیاسی و نگرانی از تعرض به استقلال و سوءاستفاده ابزاری از دیوان کیفری بین‌المللی توسط قدرت‌های بزرگ علیه جمهوری اسلامی، ارتکاب محظورات شرعی از جمله مغایرت با قاعده نفی سبیل (پذیرش قضاوت غیر مسلمان درباره مسلمان)، مداخله بیگانگان در امور داخلی در صورت وقوع درگیریهای داخلی، پرداخت هزینه‌های دیوان و مشکلات اقتصادی و مالی دانست. اما به نظر نمی‌رسد که اتخاذ استراتژی عدم تصویب سند مزبور در شرایط کنونی به جهت چنین ملاحظاتی صحیح باشد به ویژه آنکه دولتی نظیر آمریکا نیز به طور جدی تلاش نموده تا از شکل‌گیری چنین نهادی در سطح بین‌المللی جلوگیری نماید و سوءاستفاده‌ی قدرت‌های بزرگ حتی با عدم پذیرش این سند از جانب ایران میتواند محقق گردد (همان، ۱۴۸: ۱۳۹۱) قاچاق انسان، به خصوص زنان و کودکان که به بردگی عصر مدرن شهرت دارد و در این سال‌های اخیر به یک معضل جهانی تبدیل شده است از این رو، لزوم جرم‌انگاری قاچاق انسان در تمامی کشورهای جهان احساس میشود. مساله قاچاق اشخاص، معمولاً با هدف زنان و کودکان، یا قاچاق برای بهره‌کشی جنسی مورد بحث قرار می‌گیرد. در حال حاضر قاچاق پدیده‌ای بسیار گسترده در سطح جهانی به شمار می‌رود. به گونه‌ای که بسیاری از زنان که در گریز از فقر و جست‌وجوی یافتن یک زندگی بهتر به ترک خانه و میهن خود دست می‌زنند، نه تنها به آن دست پیدا نکرده، بلکه بیش از پیش در گردابی فرو می‌روند که هیچ راه گریزی برایشان



فراهم نیست. پس از تشکیل اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و لازم‌الاجرا شدن آن در اول جولای ۲۰۰۲ و برآورده شدن آرزوی پنجاه ساله جامعه بین‌المللی برای تشکیل یک مرجع کیفری بین‌المللی، که این موضوع حکایت از اهتمام جامعه جهانی نسبت به گسترش عدالت در جهان و اهمیت این سند برای حفظ و حمایت از حقوق بشر و مبارزه با شدیدترین جرایم بین‌المللی داشت، سپس در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰، مجمع عمومی سازمان ملل، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی (کنوانسیون پالمو و دو پروتکل ضمیمه آن، پروتکل پیشگیری، سرکوبی و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان) پروتکل قاچاق انسان و پروتکل مقابله با قاچاق مهاجران را به تصویب رسان (Doc A/55/383, 2 Nov 2000 UN.) (گلدوزیان، ۲۰۱: ۱۳۹۱). پروتکل الحاقی کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی در زمینه‌ی پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص، بویژه زنان و کودکان (پالمو ۲۰۰۰) طی قطعنامه‌ی شماره‌ی ۱۱۱/۵۳ در سال ۱۹۹۸ برای تهیه‌ی کنوانسیون بین‌المللی مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی به ایجاد کمیته‌ی دائمی ویژه‌ی بین‌حکومتی اقدام کرد. کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته فراملی و پروتکل‌های آن نمایان‌گر این بود که مقابله با جرایم فراملی از دغدغه‌های بین‌المللی است و مقابله با آن نیز نیازمند مشارکت جهانی است. پروتکل مبارزه با قاچاق پالمو یکی از جامع‌ترین اسناد بین‌المللی مقابله با قاچاق انسان است و تا کنون ۱۵۷ کشور رضایت خود را مبنی بر الزام به مفاد و تعهدات آن اعلام کرده و ۱۱۷ کشور نیز با تصویب آن، ملزم به انجام مفاد و تعهدات ناشی از آن شده‌اند (ذاقلی: ۱۳۸۹، ۱۲). این پروتکل در ماده ۱، خود را مکمل کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته فراملی معرفی کرده و تأکید می‌کند مفاد آن باید همراه با کنوانسیون تفسیر شود. در نتیجه هرگونه تفسیر مغایر با مفاد کنوانسیون نامبرده فاقد اثر و باطل خواهد بود. یکی از دلایل این که چنین سند مهمی به صورت پروتکل و ملحق به کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته فراملی تهیه می‌شود نیز دلیلی گویا بر این است که به اعتقاد بیشتر اعضای جامعه‌ی جهانی جرم قاچاق انسان در بسیاری از موارد به صورت سازمان‌یافته و خارج از مرزهای ملی صورت می‌گیرد و در حقیقت در زمره‌ی جرایم سازمان‌یافته فراملی قرار دارد. اگرچه این پروتکل به



طور مستقیم قاچاق انسان را جرم سازمان‌یافته معرفی نکرده اما در ماده‌ی ۴ آن عنوان شده است: "این پروتکل برای پیشگیری، تحقیق و تعقیب جرایم مندرج در ماده‌ی ۵ برقرار میشود در مواردی که ماهیت فراملی داشته و توسط یک گروه جنایت کار سازمان‌یافته صورت گرفته باشد." به موجب ماده‌ی ۲ کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته، گروه جنایت کار سازمان‌یافته گروهی ساختاریافته و متشکل از بیش از سه نفر است که با هدف کسب منفعت مالی و مادی به روش مستقیم یا غیرمستقیم مرتکب جنایات شدید میشوند. براساس ماده‌ی ۲ کنوانسیون "جرم شدید" جرمی اعلام شده که دارای مجازات ۴ سال حبس و بیشتر باشد. از مهمترین اهداف این پروتکل عبارتند از: جلوگیری از قاچاق زنان، اتخاذ تدابیری جهت سرکوبی این جرم، الزام دول عضو به جرمانگاری قاچاق زنان در قوانین ملی (همان، ۱۳۸۵:۱۵۲) هر جرمی برای اینکه محقق گردد، لازم است که واجد سه رکن باشد و این ارکان عبارتند از: رکن قانونی، رکن مادی، و رکن روانی. بنابراین برای اینکه بتوان شخصی را مجازات کرد، ابتدا باید عناصر سه‌گانه فوق توسط مرجع تعقیب احراز و اثبات گردد و هر موقع یکی از این سه رکن تحقق نیافته باشد، نمی‌توان فرد را مجازات کرد. در حقوق جزای امروز، مسئولیت کیفری منوط به این است که رفتاری مجرمانه از انسان ظاهر شود و مجرم باید مبادرت به ارتکاب فعل یا ترک فعلی کند. به این ترتیب، فعل یا عمل خارجی که تجلی نیت مجرمانه یا تقصیر جزایی است، عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد (همان، ۱۳۸۹:۱۴). اصولاً برای بررسی اعمال تشکیل دهنده‌ی یک جرم باید به رکن قانونی آن مراجعه کرد ولی باید توجه داشت که صرف وجود رکن قانونی موجب تحقق جرم نخواهد شد، بلکه اعمال فیزیکی نیز باید وجود داشته باشد تا جرم محقق گردد. اینک به بررسی رکن مادی موضوع جرم قاچاق می‌پردازیم.

بند اول: بررسی ابعاد حقوقی موضوع

قرارداد بین‌المللی الغای خرید و فروش زنان و کودکان مصوب ۱۹۲۱ نخستین معاهده‌های است که به جرم‌انگاری برده‌داری پرداخته و در مواد ۱ و ۲ خود پیش از آنکه قاچاق اشخاص مورد توجه باشد به خرید و فروش زنان در عرصه بین‌المللی توجه شده است؛ و در



واقع این دو ماده در پی بیان جرمی مشابه قوادی در عرصه بین‌المللی میباشند. بدین ترتیب عمل مرتکب در این مورد شامل اجیر کردن و یا منحرف کردن بزه‌دیده برای انجام فحشا می‌باشد. نکته‌ی قابل تأمل در این دو ماده عدم توجه تدوین کنندگان به بهره‌کشی شخص از زنان و دختران و به قصد فحشای خود با ایشان می‌باشد. ماده‌ی ۱ قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله نسوان کبیره مصوب (International convention of thirty September ۱۹۲۱ for the Suppression of traffick in women and children) نیز در عبارات مشابهی عمل مادی قاچاق را اجیر یا جلب یا منحرف ساختن فرد برای فسق و فجور می‌داند، تنها تفاوت این ماده با مواد مشابه در قراردادهای بین‌المللی ۱۹۱۰ و ۱۹۲۱ شمول لفظ مملکت به مستعمرات و کشورهای تحت‌الحمایه دولت‌های عضو و گسترش این قانون می‌باشد (اشتری، ۵۷:۱۳۸۵). برخی از حقوق‌دانان رفتار مادی در جرم قاچاق زنان را اجبار، اکراه، تهدید، خدعه و فریب، سوءاستفاده از ثروت و موقعیت خود، سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده می‌دانند. استدلال ایشان این است که در ارتکاب جرمی، عمل مجرمانه الزاما باید یک عمل ممنوعه باشد، در حالی که خارج کردن یا وارد کردن و ترانزیت افراد و یا تحویل گرفتن و انتقال دادن افراد، در شرایط عادی و بدون در نظر گرفتن قصد مجرمانه مباح است، اما این نکته قابل تأمل است؛ زیرا در بسیاری از جرایم دیگر نیز عمل در شرایط عادی مباح می‌باشد و تجمع شرایط متعدد موجب جرم تلقی شدن آن می‌شود. از سوی دیگر موارد مذکور به عنوان رفتار مادی در بزه قاچاق، صرفاً ابزارهای به کار گرفته شده در جهت تسهیل ارتکاب جرم و فریب بزه‌دیده است و وسیله ارتکاب جرم محسوب می‌شود و نه رفتار مادی. رکن مادی جرم با توجه به معنای لغوی قاچاق، در برگیرنده‌ی انتقال از مکانی به مکان دیگر است، ضمن آنکه ارتکاب یکی از این اعمال به انضمام قصد قاچاق کردن برای تحقق جرم کفایت می‌کند. در این بین منظور از ترانزیت نیز عبور دادن افراد قاچاق شده از داخل کشور میانه و در مسیر کشور مبدأ به مقصد است. بدین ترتیب چنانچه جرم در کشور میانه کشف شود جرم مذکور تام خواهد بود و شروع به جرم تلقی نمی‌شود، به این دلیل که عنصر اساسی تحقق قاچاق که همان عبور از مرز می‌باشد



صورت گرفته است (همان، ۱۳۸۵:۱۲۰). عنصر قانونی جرایم ریشه در اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها داشته و جزئی از آن می‌باشد، حفظ حقوق و آزادی‌های مردم اقتضا می‌کند که همواره از تجاوز و تعدیات کارگزاران حکومتی در امان باشند. بنابراین وجود قوانینی ثابت که در پناه آن شهروندان بتوانند آزادانه و بدون هراس مناسبات خود را گسترش و سازمان دهند شرط تضمین این حقوق و آزادی‌هاست (اشتری، ۱۳۳:۱۳۸۵). با توجه به اینکه سیر تاریخی قاچاق زنان و ابعاد آن را در جهان معاصر مدنظر داریم، و می‌دانیم که قاچاق زنان پدیده‌ای نیست که تنها به عنصر کنونی و یکی دو دهه‌ی اخیر محدود گردد، در اینجا به اسناد بین‌المللی که تا قبل از سال ۱۹۸۰، در جهت جرم‌انگاری قاچاق زنان و مبارزه با آن تدوین گردیده، اشاره میشود تا رکن قانونی موضوع بهتر تبیین شود. نخستین سند بین‌المللی در دفاع از حقوق زنان در ۱۸ مه ۱۹۰۴ میلادی در پاریس تحت عنوان (کنوانسیون بین‌المللی راجع به تأمین یک حمایت موثر علیه معامله جنایت کارانه موسوم به خرید و فروش سفید پوستان) با هدف مقابله با سوءاستفاده جنسی از زنان و دختران و اجیر کردن آنان برای فحشا به امضا رسید و دولت‌های متعاقد با الحاق به کنوانسیون مزبور متعهد گردیدند ضمن مبادرت به اقدامات لازم برای معارضه و مقابله با اشخاصی که اقدام به اجیر کردن زنان و دختران برای فحشا می‌کنند، دختران و زنانی را که برای خودفروشی به کشور دیگر برده شده‌اند، به وطن اصلی خود عودت دهند (ذاقلی، ۱۷:۱۳۸۹). مقصود غایی این مقاله‌نامه، متعهد شدن دولت‌های عضو جهت اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از انتقال زنان و دختران به خارج جهت فسق و روسپیگری بوده است. در این سند بر تعهدات کشورها جهت جلوگیری و اتخاذ تدابیری برای پیشگیری از وقوع خرید و فروش زنان تأکید شده است (همان، ۲۴:۱۳۸۹). برای تکمیل مقاله‌نامه فوق حدود شش سال بعد در ۴ مه سال ۱۹۱۰ میلادی نیز قرارداد بین‌المللی دیگری تحت عنوان «قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان» در پاریس به امضا رسید که در واقع مکمل کنوانسیون ۱۹۰۴ بود. در این قرارداد، هرگونه بهره‌کشی جنسی به هر نحو ممکن، عملی خلاف حقوق بشر است و رضایت زن مفعول نیز، در تغییر ماهیت غیرانسانی این عمل اثری ندارد. نکته شایان ذکر در خصوص قرارداد مذکور



این است که، صرفاً قاچاق زنان به قصد بهره‌کشی جنسی را جرم‌انگاری کرده است، و قاچاق زنان که با مقاصد دیگر از انواع بهره‌کشی ممکن است صورت بگیرد هم‌چنان دارای نقص تقنینی است. قابل ذکر است با آغاز جنگ جهانی اول اغلب امضاکنندگان دو سند فوق به صورت دشمن یکدیگر در آمدند و نتیجتاً اجرای مفاد این اسناد عملاً به حال تعلیق درآمد (ذاقلی، ۱۳: ۱۳۸۹). در تاریخ سی‌ام سپتامبر سال ۱۹۲۱ میلادی نیز قرارداد بین‌المللی دیگری با عنوان (قرارداد بین‌المللی الغای خرید و فروش نسوان و کودکان) با هدف تکمیل کردن و تأیید دوباره دو سند بین‌المللی قبل، به تصویب تعداد قابل توجهی از دولت‌ها رسید که براساس مفاد این قرارداد، دول متعاقد توافق نمودند اقدامات لازم را برای تجسس و مجازات کسانی که مبادرت به معامله نسوان و یا کودکان می‌نمایند، معمول دارند. همچنین مطابق ماده ۳ این قرارداد حتی شروع به جرم معامله نسوان و کودکان، جرم شناخته شد و مقرر گردید ولو این که دولت‌های متعاقد قرارداد استرداد مجرمین بین خود را نداشته باشند، برای استرداد اشخاصی که متهم به جرائم فوق هستند اقدام نمایند. در این سند دیگر صرفاً اشاره‌ای به زنان سفیدپوست نشده و ظاهراً به همین دلیل باید گستره این سند را در خصوص تمامی کشورهای جاری دانست. معاهدات فوق در تاریخ چهاردهم دی ماه سال ۱۳۱۰ به تصویب مجلس شورای ملی ایران رسید (اشتری، ۱۲۲: ۱۳۸۵). قاچاق زنان چون از جمله جرائم عمدی به حساب می‌آید و لذا بر خلاف جرائم مادی صرف، احراز سوءنیت مرتکب جرم ضروری می‌باشد، رکن روانی این جرم نیز مثل بسیاری دیگر از جرائم از سوءنیت عام، سوءنیت خاص، تشکیل می‌شود، سوءنیت عام در این جرم عبارت است از عمد در ارتکاب عمل فیزیکی قاچاق زنان، در بند ۱ از ماده ۵ پروتکل نیز آمده: هر دولت متعاقد تدابیر قانونی و غیر آن را اتخاذ خواهد کرد که برای برقرار کردن کردار مطروحه در بند سوم این پروتکل، هنگامی که به عمد ارتکاب شود، به عنوان جرایم جنایی ضرورت دارد. لذا سوءنیت عام یا به عبارتی اراده مباشر به ارتکاب عمل خلاف قانون جهت تحقق عنصر مادی قاچاق زنان و اعمال در حکم قاچاق، ضروری می‌باشد (عالیپور، ۹۹: ۱۳۸۸). جرم قاچاق انسان از جمله جرایم عمدی است و علاوه بر قصد انجام فعل مجرمانه نیازمند قصد تحقق نتیجه مجرمانه نیز می-



باشد. سوءنیت عام بزه‌کار قصد او در انتقال دادن یا تحویل گرفتن، اختفا و یا فراهم کردن موجبات اختفای بزه‌دیده پس از عبور از مرز است. سوءنیت خاص نیز قصد وقوع نتیجه مترتب بر رفتار بزه‌کار است، خواه این قصد در عالم واقع محقق شود یا خیر. سوءنیت خاص در این جرم قصد استعمار جنسی، کار اجباری، بیگاری، به بردگی کشاندن یا رویه‌های مشابه برده‌داری، برداشت اعضا و جوارح بدن است. در صورتی که بزه قاچاق انسان به صورت سازمان‌یافته صورت گیرد، رضایت بزه‌دیده در تحقق آن فاقد تأثیر است (همان، ۱۳۸۸:۹۶). سوءنیت خاص عبارت است از اینکه مرتکب یا مرتکبان جرم قاچاق زنان اعمال فوق‌الذکر را به قصد نیل به نتیجه مورد نظر خود انجام داده باشند؛ یعنی اینکه قصد متهم یا متهمان از ارتکاب افعال مجرمانه و قاچاق افراد، این اعمال را به قصد نیل به اهداف مندرج در این مواد که همان نتیجه است انجام داده باشد، یعنی اینکه قصد متهم از ارتکاب افعال مجرمانه، در اختیار شخص دیگری قراردادن مجنی‌علیه، برای انجام هوی و هوس می‌باشد. سوءنیت خاص در قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و ترتیباتی که مشابه بردگی است مصوب ۱۹۵۶ خواست نقل و انتقال برده از یک کشور به کشور دیگر می‌باشد (عالیپور، ۱۳۸۸:۹۸). در زمینه صلاحیت‌های بین‌المللی در زمینه قاچاق زنان می‌توان گفت که براساس پروتکل پالرمو که جامع‌ترین سند بین‌المللی در زمینه قاچاق انسان است، این جرم به صورت فعل مادی مثبت انجام می‌گیرد و در برگیرنده افعال استخدام، حمل و نقل، پناه دادن یا تحویل گرفتن اشخاص با هدف بهره‌کشی است که با توسل به تهدید یا استفاده از زور یا دیگر اشکال اجبار و تحمیل، آدم‌ربایی، تقلب، فریب، سواستفاده از قدرت یا تطمیع فردی که بر شخص دیگر کنترل دارد، صورت می‌گیرد. بهره‌کشی می‌تواند در اشکال گوناگون از جمله بهره‌کشی جنسی، کار یا ارائه خدمات اجباری، بردگی یا رویه‌های مشابه بردگی، بیگاری یا برداشتن اندام‌های بدن صورت گیرد. این پروتکل فارغ از جنسیت تمام افراد را مورد حمایت خویش قرار می‌دهد اما به زنان و کودکان توجه ویژه‌ای دارد. در صورتی که قربانی قاچاق یک کودک باشد، عمل استخدام، حمل و نقل، انتقال، پناه دادن یا دریافت کردن کودک برای بهره‌کشی جنسی، قاچاق انسان است حتی اگر بدون استفاده از



صور گوناگون تهدید، اجبار، فریب و یا سوءاستفاده از قدرت باشد. در این پروتکل عبارت کودک در برگیرنده کلیه افرادی است که کمتر از ۱۸ سال سن دارند. از آغاز سده بیستم چندین سند بین‌المللی برای سرکوب قاچاق زنان تدوین گردید که مورد تصویب دولت‌ها قرار گرفت. اما هیچ یک از اسناد بین‌المللی نتوانسته‌اند موفقیتی در سرکوب یا پیش‌گیری از این جرم داشته باشند. نکات ضعف اساسی موجود در این اسناد، عمده‌ترین مانع دستیابی آنها به اهداف مقرر گشته برایشان محسوب می‌شد. مقاله‌نامه ۱۸ مه ۱۹۰۴ که در واقع نخستین سند حقوق بشری است که برای زنان به تصویب رسیده است از پیش‌فرض‌ها و تعصبات نژادپرستانه تهی نیست، و تنها زنان سفیدپوست را پوشش می‌دهد (عبادی، ۱۳۷۲:۳۳). مقاله - نامه بین‌المللی ۴ مه ۱۹۱۰ برای تکمیل مقاله‌نامه فوق حدود شش سال بعد در ۴ مه سال ۱۹۱۰ میلادی نیز قرارداد بین‌المللی دیگری تحت عنوان (قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان) در پاریس به امضا رسید که در واقع مکمل کنوانسیون ۱۹۰۴ بود. با آغاز جنگ جهانی اول اغلب امضاکنندگان دو سند فوق به صورت دشمن یکدیگر در آمدند و نتیجتاً اجرای مفاد این اسناد عملاً به حال تعلیق درآمد (گلان، ۲: ۱۳۷۹).

در مقدمه کنوانسیون، نگرانی‌هایی از وجود تبعیضات گسترده علیه زنان و وقوع خشونت و قاچاق علیه آنها و امکان دسترسی حداقل آنان به مواد غذایی، بهداشت، تحصیلات، اشتغال و سایر نیازها، علیرغم تصویب اسناد متعدد بین‌المللی در زمینه حقوق زنان، ابراز گردیده و بر ضرورت و اهمیت نقش زنان در روند توسعه همه‌جانبه جهانی و اجرای اصل مساوات کامل میان زنان و مردان و محو کامل کلیه اشکال تبعیض علیه زنان تاکید شده است. نکته مهمی که این سند بین‌المللی را از اسناد قبلی در این زمینه متمایز می‌کند، تعریف جامع واژه "تبعیض علیه زنان" در صدور کنوانسیون است. به علاوه در خصوص سایر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای زنان، در کنوانسیون تاکید شده است. در مجموع کنوانسیون فوق در مقایسه با سایر اسناد بین‌المللی در این زمینه، جامع‌ترین سند دفاع از حقوق زنان محسوب میشود (bitra، ۲۰۰۷:۳۴).



بخش سوم: بررسی قاچاق زنان در حقوق کیفری ایران

در ایران باستان نیز مانند دیگر کشورهای بزرگ بردگی وجود داشت، ایرانیان با اسیران و غلامان خوش رفتاری می‌کردند و به آنها اجازه‌ی تاسیس کارگاه‌های صنعتی داده می‌شد و به همین جهت بعد از آنکه آزاد اعلام می‌شدند، حاضر به بازگشت به میهن خویش نبودند (اشتری، ۲۰۳:۱۳۸۵). ایران از جمله کشورهایی است که خیلی زود از اوایل سده بیستم با پیوستن به اسناد بین‌المللی موجود علیه قاچاق زنان، قوانینی داخلی را برای مبارزه با آن به تصویب رساند، اما بررسی این گونه قوانین و نیز پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی در این باره، از سیر نزولی حکایت دارد. در ۱۸ بهمن ماه سال ۱۳۰۷ ماده واحده قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران و آزادی برده در موقع ورود به مملکت به تصویب رسید، این قانون که مشتمل بر یک ماده و یک تبصره است که در جلسه هیجدهم بهمن ماه یک هزار و سیصد و هفت شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در تاریخ ۱۰ اسفند ماه سال ۱۳۳۷ قانون مربوط به الحاق دولت ایران به قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی در عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی با یک مقدمه و ۱۵ ماده به تصویب رسید (اشتری، ۲۰۴:۱۳۸۵).

سالها بعد از آن ماده‌ی ۲۱۱ و ۲۱۳ قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۷ خرداد ۱۳۵۲ به انجام اعمال منافی عفت، قوادی، تشویق به فساد اخلاقی اختصاص داده شد و مجازات اشخاص اشخاص مرتکب این اعمال را حبس تادیبی از ۶ ماه تا سه سال و به تادیه از ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال قرار داد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ایران اسناد ۱۹۲۱، ۱۹۱۰، ۱۹۰۴ و ۱۹۳۳ را امضا کرد و همگام با آنها قوانینی داخلی را نیز به تصویب رساند. پس از اینها در ۱۹۴۹ نیز پروتکل اصلاحی را برای تأیید دوباره ۳ سند نخست به تصویب رساند، اما با وجود اینکه خود ایران جزو امضاکنندگان قطعنامه مجمع عمومی برای تصویب کنوانسیون ۱۹۴۹ بود، بعداً از امضای تصویب خود کنوانسیون خودداری ورزید، که بیشتر به خاطر رواج فساد اخلاقی و روسپیگری در ایران در زمان پهلوی دوم بود؛ به گونه‌ای که امضای کنوانسیون و تعهد بین‌المللی ناشی از آن مستلزم بر هم‌زدن بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت محمدرضا پهلوی به شمار می‌رفت (ذاقلی،



۱۳۸۹:۵۴). بررسی سیر تاریخی این گونه قوانین و نیز پیوستن ایران به اسناد بین‌الملل در این خصوص از سیر نزولی حکایت دارد که بررسی این قوانین نشان خواهد داد که این سیر نزولی پس از انقلاب نیز چه در زمینه قوانین و چه در زمینه پیوستن به اسناد بین‌الملل شتاب بیشتری داشته است. به طور کلی پیش از انقلاب اسلامی قوانین نسبتاً مناسبی برای قاچاق انسان وجود داشت هر چند مجازات تعیین شده در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ یعنی ۶ ماه تا ۳ سال حبس بسیار نامتناسب و کمتر از حد لازم بود که مشکل اصلی به عدم اجرای همان قانون باز میگشت، البته در این قوانین به هیچ روی خود عمل روسپیگری جرم شناخته نمی شد. ایران همگام با جامعه‌ی جهانی اسناد ۱۹۰۴، ۱۹۱۰، ۱۹۲۱ و ۱۹۳۳ میلادی سازمان ملل متحد را در دوران پیش از انقلاب اسلامی به تصویب رسانید و در راستای اجرای آنها نیز قوانینی وضع کرد. از آن جمله می‌توان به ماده‌ی ۲۰۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ اشاره کرد (عبادی، ۲۰:۱۳۷۲). قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب اسفند ماه سال ۱۳۵۳ از دیگر اقدامات قانون‌گذار است که در زمینه‌ی قاچاق انسان نیز قابل استناد است. این قانون یکی از کامل‌ترین قوانین در زمینه‌ی حمایت تشدید از اطفال در قوانین پیش از انقلاب است که در راستای اقدامات هماهنگ با جامعه‌ی بین‌الملل صورت گرفت (اشتری، ۲۰۷:۱۳۸۵). بررسی مواد مرتبط با قاچاق انسان در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، ۱۳۹۲ پس از انقلاب که قانون مجازات عمومی جای خود را به قانون مجازات اسلامی داد، جامعیت مواد مربوط به قاچاق زنان و بهره‌کشی جنسی از آنان جای خود را به چهار ماده بسیار کوتاه درباره‌ی قوادی و واسطه‌گری داد. بدین ترتیب در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ در ماده ۱۳۵ که در قانون سال ۱۳۷۰ نیز عیناً تکرار گشته، آمده است: "قوادی عبارتست از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط". در ماده ۱۳۶، آمده است که "قوادی با دو بار اقرار ثابت می‌شود، به شرط آن که اقرارکننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد". همچنین بر اساس ماده ۱۲۷ شرایط قوادی برشمرده شده است. بدین ترتیب مجازات قوادی از ۶ ماه تا سه سال حبس، به تنها ۷۵ تازیانه در مورد زنان و ۷۵ تازیانه و ۳ ماه تا یک سال تبعید برای مردان کاهش پیدا کرد. البته



در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ مجلس شورای اسلامی، به دائر کردن روسپی - خانه و نیز واداشتن دیگران به روسپی‌گری اشاره شده بود. همچنین پس از انقلاب قانون‌گذار به جرایم و مجازات‌ها از زاویه‌ای دیگر نگریست و با توجه به حرمت جرایم جنسی، بدون تصریح به قاچاق انسان و فارغ از توجه به جنبه‌های گوناگون آن صرفاً مقابله با استثمار جنسی را مورد توجه قرار داد. از آن جمله می‌توان به ماده‌ی ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ اشاره کرد. افرادی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کنند، مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نمایند، به حبس از ۱ تا ۱۰ سال محکوم می‌شوند. این ماده تنها در مورد قاچاق انسان با هدف استثمار جنسی قابل اعمال است و مصادیق دیگر استثمار اقتصادی از جمله کار اجباری، کار سخت خانگی، تکدی‌گری، قاچاق اعضا بدن و سایر اهداف غیراخلاقی و مجرمانه را در برنمیگیرد (همان، ۲۱۵:۱۳۸۵).

ایران با پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ و به موجب ماده‌ی ۳۴ خود را متعهد کرد تا برای حمایت از کودکان در برابر انواع استثمار جنسی و اقتصادی، اقدامات ملی و دو یا چند جانبه اتخاذ نماید. همچنین، یک‌بار دیگر متأثر از اقدامات بین‌المللی در مقابله با قاچاق کودکان هم‌جهت شد و قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌های مکمل آن را در سال ۱۳۸۰ تصویب و بدترین اشکال کار کودک را مواردی از جمله بردگی، خرید و فروش و قاچاق کودک، استفاده از کودک برای فحشا معرفی کرد. قانون‌گذار با الهام از کنوانسیون حقوق کودک و محو بدترین اشکال کودک، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را وضع کرد. افزایش قاچاق انسان در جهان منجر به نگرانی بیشتر جامعه‌ی بین‌المللی و اتخاذ اقدامات ملی و فراملی گوناگونی شد. مجلس شورای اسلامی نیز متأثر از نگرانی‌ها و تلاش‌های بین‌المللی و در کنار گزارش چندین مورد قاچاق انسان در ایران، در سال ۱۳۸۳ قانون هشت ماده‌ای "مبارزه با قاچاق انسان" را تصویب کرد. بعد از انقلاب همچنین قانون مجازات اسلامی به این جرایم اشاراتی داشته است، در ماده‌ی ۹ به بررسی صلاحیت جهانی ایران در این جرایم اشاره کرده



است. در ماده‌ی ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات سردستگی گروه مجرمانه را بررسی و عنوان کرده است که:

هر کس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند. به طور کلی بعد از انقلاب در حقوق ایران به طور صریح اشاره‌ای به این جرم نشده لکن به طور غیرمستقیم با پذیرش عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌های در رابطه با این جرم و تصویب قانون قاچاق انسان می‌توان دریافت که ایران هم مهم بودن و خطرناک بودن این جرایم را قبول نموده است (اشتری، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

نتیجه‌گیری

قاچاق زنان در زمان‌های قبل هم به شکل ابتدائی وجود داشته ولی در اواخر قرن ۲۰ شکل پیچیده به خود گرفته و به سرعت رو به رشد رفت. این جزم اگر چه ریشه در گذشته‌های دور دارد اما در دهه‌های اخیر شکل منظم و سازمان‌یافته‌ای به خود گرفته و به علت نبود قوانین جامع و مانعی نه در سطح ملی و نه در سطح بین‌المللی و عدم برخورداری قوانین موجود هم، از ضمانت اجرای کیفری، به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است. جنبه فراملی و سازمان‌یافتگی این جرم سبب می‌شود که کشورهای زیادی درگیر این مسئله شوند. باید توجه داشت که قاچاق زنان بعد از فروش مواد مخدر و اسلحه بیشترین درآمد را برای مرتکبین آن فراهم می‌کند و بالطبع کسب این همه درآمد باعث می‌شود که گروه‌های سازمان‌یافته بزهکار قدرت بیشتری کسب کنند. بررسی ابعاد و گستره قاچاق زنان و نیز اسناد بین‌المللی که تاکنون برای مقابله با قاچاق صورت گرفته است نشان می‌دهد که هیچ‌گونه هماهنگی و تناسبی میان آنها وجود ندارد و به سخن دیگر اسناد بین‌المللی که تاکنون تدوین گشته‌اند از امکان و توان پیش‌گیری و سرکوب کامل قاچاق زنان برخوردار نیستند. در پروتکل الحاقی به کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان‌یافته فراملی (کنوانسیون پالمو) دو دسته تمهیدات در برخورد با جنایت قاچاق زنان پیش‌بینی شده است: دسته اول اقداماتی در سطح ملی می‌باشند که هر یک از دولت‌های متعاهد عضو کنوانسیون و پروتکل ملزم هستند در سطح داخلی و ملی این



تدابیر را با وضع قوانین خاص و سایر اقدامات مثل جرم‌انگاری، اقدامات پیش‌گیرانه، اقدامات حمایتی و اقدامات آموزشی به مرحله اجرا درآورند. دسته دوم اقداماتی در سطح بین‌المللی هستند که دولت‌های متعاقد ملزم به همکاری با یکدیگر در سطح بین‌المللی می‌شوند. ایران از جمله کشورهایی است که از اوایل قرن بیستم با پذیرفتن اسناد بین‌المللی موجود علیه قاچاق زنان، قوانین داخلی را برای مبارزه با آن به تصویب رساند. ایران اسناد ۱۹۰۴، ۱۹۱۰، ۱۹۲۱ و ۱۹۳۳ سازمان ملل متحد را امضا کرد. پس از انقلاب در سال ۱۳۸۳ به دنبال تحولات بین‌المللی همانند تصویب پروتکل راجع به پیش‌گیری و مبارزه با قاچاق اشخاص به ویژه زنان، الحاقی به کنوانسیون پالمو و ارائه گزارش‌هایی مبنی بر قاچاق زنان و کودکان از ایران به کشورهای همسایه، قانون مبارزه با قاچاق انسان به تصویب رسید. به‌طور کلی نظام جزایی ایران با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی)، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب سال ۱۳۸۳ را در راستای مبارزه با این جرم تدوین کرده است. اجزا و اجرای جرم قاچاق زنان در بسیاری از موارد توسط قانون‌گذار ایران جرم‌انگاری شده است ولی با این حال دارای نواقصی می‌باشد و به نظر می‌رسد به‌طور کلی با کنوانسیون پالمو هم‌سو می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و ماخذ

- ۱- اشتری، بهناز. (۱۳۸۵). قاچاق زنان، بردگی معاصر. نشر میزان
- ۲- حبیب‌زاده، محمد جعفر و همکاران. (۱۳۸۸). قاچاق انسان در حقوق کیفری ایران. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۳، شماره ۴
- ۳- ذاقلی، عباس. (۱۳۸۹). قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی. انتشارات میزان، تهران.
- ۴- عالی‌پور، حسن. (۱۳۸۸). قاچاق زنان بزهی بر ضد کرامت زنان. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۵
- ۵- عبادی، شیرین. (۱۳۷۲). تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران. انتشارات روشنگران. تهران.
- ۶- فن‌گلان، گرهارد. (۱۳۷۹). حقوق میان‌ملتها: درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی. ترجمه‌ی حافظیان، محمدحسین. نشر میزان، تهران، جلد دوم
- ۷- گلدوزیان، ایرج؛ پور ابراهیم، احمد. (۱۳۹۱). بررسی قاچاق زنان در اسناد بین‌المللی و حقوق جزای ایران. مجله پلیس زن. مجله علمی ترویجی، ش ۱۷
- ۸- مصطفی‌پور، کمال. حقوق زنان، اسناد بین‌المللی موضع ایران
- 10-Georg, Bitra. (2001). The Report of Trafficking of Children a Human Right Concern. Report of National Consultation ICC Elements of Crime.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی